

به نام خداوند جان و خرد

# پولسازی از صفر تا ۱۲۷ میلیون در ۱۲۱ روز

این یک کتاب نیست، بلکه دستورالعمل کاربری برای رسیدن به  
پول در کمترین زمان ممکن است

نویسنده:

امیر قنبری



سرشناسه: قنبری، امیر، ۱۳۶۶ -  
عنوان و نام پدیدآور: پولسازی از صفر تا ۱۲۷ میلیون در ۱۲۱ روز.../ نویسنده امیر قنبری.  
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ص: مصور، جدول. ۱۴/۲۱×۵/۵س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۹۰-۵  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: امور مالی شخصی  
موضوع: Finance, Personal  
موضوع: موفقیت در کسب و کار  
موضوع: Success in business  
موضوع: سرمایه‌گذاری  
موضوع: Investments  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۱۹۷/۹ق/پ HG  
رده بندی دیویی: ۳۳۲/۰۲۴  
شماره کارشناسی ملی: ۴۷۲۴۷۵۵



## «پولسازی از صفر تا ۱۲۷ میلیون در ۱۲۱ روز»

- نویسنده: امیر قنبری ● ناشر: انتشارات طاهریان
- نوبت چاپ: اول ● سال چاپ: ۱۳۹۶ ● تیراژ: ۱۰۰۰ جلد ● طرح جلد: آرزو خسروپور
- قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان ● لیتوگرافی: امیر نقش
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۹۰-۵

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
[www.Taherianpress.com](http://www.Taherianpress.com) تلفن: ۶۶۴۹۲۷۳۳-۶۶۹۷۰۷۶۷ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲  
با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

## فهرست:

### بخش اول: صفر بودن

دست نگه دارید، به خاطر فقر خودکشی نکنید..... ۷

دستورالعمل بخش اول..... ۲۵

### بخش دوم: پيله شدن

شما فقط ۴۸ ساعت زمان دارید..... ۲۷

دستورالعمل بخش دوم..... ۳۷

### بخش سوم: اصلاحات

سخت‌ترین قسمت بازی ثروت..... ۳۹

دستورالعمل بخش سوم..... ۶۷

### بخش چهارم: رهایی از قرض و بدهی

تسویه بدهی ۷ برابر درآمد سالیانه در کمتر از یک سال..... ۶۹

دستورالعمل بخش چهارم..... ۱۰۱

### بخش پنجم: هدف‌گذاری، استعداد یابی و رسالت الهی

مهم‌ترین راز در هدف‌گذاری..... ۱۰۳

دستورالعمل بخش پنجم..... ۱۴۳

### بخش ششم: ثروتمند شدن

چگونه در ۱۲ ماه از ۱۲ سال قبل بیشتر پول به دست آورید؟..... ۱۴۵

دستورالعمل بخش ششم..... ۱۷۱



## مقدمه

این کتاب برای کسانی نوشته شده است که داستان آن‌ها و پول داستان جن و بسم‌الله است. اگر مدام در حال کار و فعالیت هستید اما از نظر مالی درجا می‌زنید در این کتاب به طور مفصل نه تنها به دلایل این اتفاق پرداخته‌ام بلکه برای تک‌تک این مسائل راه‌کارهای عملی ارائه کرده‌ام.

اگر از لحاظ مالی حداقل یک بار در زندگی خودتان به آخر خط رسیده‌اید همین حالا مطالعه این کتاب را شروع کنید چون تمام اتفاقات این کتاب از زمانی شروع شد که من به خاطر فقر اقدام به خودکشی کردم. خدا را شاکرم که نافرجام بود و از آن بیشتر خدا را شاکرم که مسیر زندگی خوب را به من نشان داد. اینجا قرار نیست شما یک سری مطالب کپی شده یا ترجمه خارجی مطالعه کنید، داستان این کتاب داستان زندگی واقعی است. از فقر و نداری شروع و به پول و ثروت ختم می‌شود. هر چه در این کتاب آمده است نتیجه اتفاقات و تجربیات فردی فقیر بوده که در حال حاضر یک معلم و مدرس ثروت است.

قوانین مطرح‌شده بسیار ساده است و در تمام مراحل با انجام کارهای بسیار ساده به نتایج بزرگی خواهید رسید. همان طور که روزانه شاهد نتایج بزرگی از کسانی هستم که در سمینارها و کارگاه‌های من شرکت می‌کنند.

از زمان اختراع چرخ بشر علاقه خاصی به سریع رفتن نشان داده است، این سرعت نه در تنها در ماشین‌آلات است بلکه در زندگی روزمره خودتان هم شاهد آن هستید. کبوتران نامه‌بر، تلگراف، پست، تلفن، ایمیل و شبکه‌های اجتماعی تنها بخشی از ظهور سرعت در ارتباطات است، حال فرض کنید می‌توانستید از این فرمول در زمینه موفقیت و کسب ثروت استفاده کنید، عالی

می‌شد مگر نه؟! اگر می‌خواهید کمی از این حس را تجربه کنید به عنوان بخش ششم توجه کنید. در آن بخش خواهید دید که کسب یک ثروت میلیونی هم آن‌چنان که دیگران می‌گویند سخت نیست.

در حین مطالعه به هیچ‌وجه احساس نکنید که مباحث تئوری صرف هستند بلکه تمام موارد بارها مورد آزمون قرار گرفته و فقط کافی است آن‌ها را در کار و زندگی خودتان اجرا کنید. وجه تمایز این کتاب این است که در پایان هر فصل شما یک دستورالعمل جامع دارید و گام به گام می‌دانید که چه کاری را باید انجام دهید.

برای من هیچ فرقی نمی‌کند که شما در حال حاضر از نظر مالی در چه وضعیتی هستید، سفر ما در این کتاب از روزهایی شروع می‌شود که من از نظر اقتصادی در بدترین شرایط ممکن بودم، روزهایی که حتی یافتن غذا در منزل آرزویی بزرگ بود چه رسد به اینکه آرزوی یک حساب میلیونی را داشته باشم. اگر زیر خروارها قرض و بدهی هستید در بخش سوم گام به گام با روش تسویه قرض و بدهی در کمترین زمان ممکن آشنا خواهید شد چون من با همان فرمول موفق شدم در کمتر از یک سال قرض هفت برابر درآمد سالیانه‌ام را پرداخت نمایم.

یک جمله معروف می‌گوید هیچ‌چیز در زندگی اتفاقی نیست، اگر دغدغه مالی دارید و با این کتاب آشنا شده‌اید این را بدانید که هیچ‌چیز اتفاقی نیست، تنها کافی است روزی یک ساعت در همین هفته برای مطالعه این کتاب وقت اختصاص دهید آن وقت قول من به شما این خواهد بود:

«قول می‌دهم اگر به تمام مطالب گفته شده در این کتاب عمل کنید حداقل مثل من در ۱۲۱ روز ۱۲۷ میلیون تومان پول به دست آورید.»

# بخش ۱

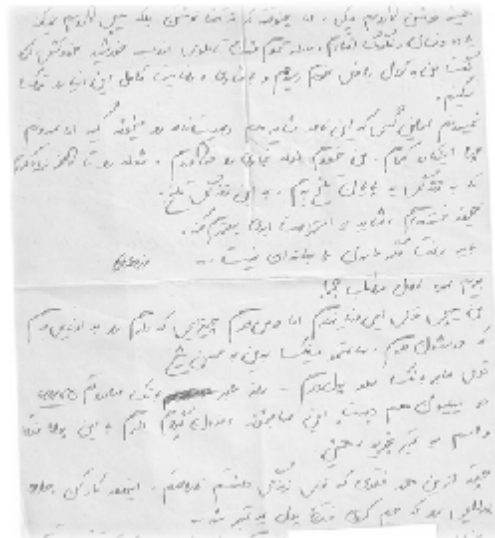
## صفر بودن



**دست نگه دارید، به خاطر فقر خود کشتی نکنید...**

همیشه نوشتن آروم می‌کرد، اما چند هفته نه تنها نوشتن بلکه هیچی آروم نمی‌کنه یاده و نسان و نگوگ افتادم، بعد از تموم شدن تابلوی غروب خورشید خودکشتی کرد. گفت من به کمال واقعی خودم رسیدم و با شادی و رضایت کامل این دنیا رو ترک می‌کنم.

نمی‌دونم اولین کسی که این نامه شاید هم وصیت‌نامه رو می‌خونه کیه اما می‌دونم چرا این کارو کردم. من با دستای خودم لوله بخاری رو درآوردم، شعله رو تا آخر زیاد کردم تا به زندگی یه پایان تلخ بدم، به این زندگی تلخ.



چقد خسته‌ام، شاید به استراحت ابدی بهترم کنه.

باید رفت دگر ماندن را بهانه‌ای نیست...

بریم سره اصل مطلب!؟

من هیچی توی این دنیا ندارم اما دوس دارم چیزایی که دارم رو به اونایی بدم که دوستون دارم، ساعتو عینکُ بدین به محسن شیخ، توی عابر بانک مهرم پول دارم - رمز عابر بانک صادراتم ۶۶۲۵، دو میلیون هم دست این صابخونه دندون کردم دارم با این پول فقط واسم یه قبر بخرید، همین.

چقد ازین همه فقری که توی زندگی داشتیم ناراحتم، اینهمه کار کن، حالا پولایی رو که جم کردی فقط پول یه قبر شه... دست نگه دارید، به خاطر فقر خودکشی نکنید.



مسئلاً شوکه شده‌اید که یک کتاب کسب ثروت را با نامه خودکشی شروع کردید. داستان مربوط به زمستان ۹۲ بود. وقتی که جز قرض، بدهی و کلی رویاهای دور از دسترس چیزی در زندگی نداشتم. در حکمت ۱۶۳ نهج البلاغه حضرت علی (ع) می‌فرمایند: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ (فقر مرگ بزرگ است). همه ما هم این حدیث را شنیده‌ایم که اگر فقر از در وارد شود ایمان از پنجره بیرون می‌رود. من در زندگی و اطرافیانم همیشه نماد فردی قوی، صبور و با پشتکار بودم اما فقر با من چه کارکرد؟! من نمی‌گویم هر کس که فقیر است خودکشی می‌کند، اما این را کاملاً قاطعانه می‌گویم هر کس که فقیر است زندگی نخواهد کرد. تمام دوستانم به من می‌گویند از این نامه در کلاس‌ها و سمینارهای حرفی نزن چون باعث تبلیغات منفی کلاس‌هایت می‌شود اما من همیشه اول سمینار ثروت این نامه را برای حضار می‌خوانم تا همه متوجه شوند که زندگی دو روی کاملاً متفاوت دارد، یک روی آن غم، درد، حقارت، کفر، ناامیدی، خیانت و ... است، اما روی دیگر آن ثروت، سلامتی، رفاه، آسایش، آرامش، خانواده خوب، عشق و خداست. انتخاب شما چیست؟! شما کدام روی زندگی را انتخاب کرده‌اید؟!

### لیست خودتان را تشکیل دهید

بگذارید راهنمایی‌تان کنم. در ردیف اول این لیست نام رییس یا کارفرمایتان را بنویسید. در ردیف دوم مثلاً می‌توانید نام پدر و یا مادرتان را بنویسید. نظرتان راجع به نام معلم دوران دبستان و یا همسایه کناری‌تان چیست؟!

می‌خواهم لیستی از اسامی کسانی که تا الآن باعث شده‌اند شما به ثروت نرسید تهیه کنید. راحت باشید، تا جایی که می‌توانید این لیست را تکمیل کنید. دقیقاً مثل من که یک لیست چند صفحه‌ای داشتم. از خدا و کائنات شروع و به ریزگردهای موجود در هوا ختم می‌شد. یک روز که طبق معمول در حال غر زدن و گله زاری از شرایط خودم و جامعه بودم یکی از اساتیدم از من پرسید به نظرت مقصر این شرایط و حال و روزت چه چیزی و یا چه کسی هست؟ من با اعتماد به نفس از لیستم حرف به میان کشیدم. استادم چقدر حکیمانه گفت: وقتی انگشت اتهام به سمت دیگران می‌گیری یک انگشت به سمت مشکل و سه انگشت به سمت خودت است. همین حالا یک خودکار یا ماژیک قرمز بردارید و روی لیست‌تان خط بکشید و در جواب این سؤال که چه کسی مقصر است فقط یک کلمه بنویسید، بنویسید خودم.

یکی از مهم‌ترین جمله‌ها در خصوص ثروت از بیل گیتس زندگی من را متحول ساخت، او می‌گوید: اگر شما فقیر به دنیا آمده‌اید مقصر نیستید اما اگر فقیر از دنیا بروید فقط خودتان مقصرید...



اکثر آدم‌ها به این موضوع عادت کرده‌اند که دائماً در زندگی به دنبال مقصر می‌گردند. تا کی به امید سخاوتمند شدن ریاستان هستید تا کی

قرار است از شرایط بد اقتصادی جهانی ایراد بگیرید تا کی قرار است به امید برنده شدن در یک قرعه‌کشی بزرگ بنشینید؟! آیا خودتان را مسئول زندگی‌تان می‌دانید؟

**شما مسئولیت صد درصدی در زندگی‌تان دارید.**

### غر زدن ممنوع

از کجا شروع کنیم؟ وضعیت نابه‌سامان اقتصاد جهانی خوب است یا برویم سراغ دو رقمی شدن نرخ تورم؟! ورود بی‌رویه اجناس کشور دوست و همسایه چین چطور است، اصلاً بگذارید به آخر خط برویم و تمام رکود و ورشکستگی و سکه نبودن بازار را تقصیر ریزگردهای موجود در هوا بیندازیم.

**هشدار: اسیر این دام فطرت‌ناک نشوید.**

اگر ذهن خودتان را به غر زدن و ایراد گرفتن عادت داده‌اید همین حالا توقف کنید، همین حالا از تکنیک من استفاده کنید. من هم تنها کاری که مهارت خارق‌العاده‌ای درونش داشتم غر زدن و ایراد گرفتن به زمین و زمان بود، اما بعد از گذشت چند سال متوجه این موضوع شدم که دیگر نمی‌توانم بر روی موارد مثبت تمرکز کنم یا حتی آن‌ها را ببینم. آنجا بود که این تکنیک را برای خودم خلق کردم:

**غر نزن، اگه ناراحتی شرایطو تغییر بده.**

شاید ظاهر این جمله بسیار ساده باشد اما اگر روزی هزاران بار تکرارش کنید به قدرت آن پی خواهید برد. این جمله یکی از جملات

تأکیدی من در مسیر کسب ثروت بود. بارها و بارها شرایط سخت و دشواری پیش می‌آمد و من فقط دو گزینه در مقابلم داشتم، غر زدن و یا تغییر شرایط. صادقانه بگویم دومی به مراتب سخت‌تر بود اما انتخاب من تغییر شرایط بود. این جمله برای تمام امور و شرایط زندگی قابل استفاده است پس یادتان باشد هر زمان که دیدید در حال گله و زاری از شرایط هستید این جمله را به خودتان بگویید. **غر نزن، اگه ناراحتی شرایطو عوض کن.**

### بخشی از بازی ثروت

همیشه در کارگاه‌ها و سمینارهایم این جمله را چندین بار تکرار می‌کنم. این کلاس برای کسانی است که از بی‌پولی خسته شده‌اند، بی‌پولی خردشان کرده است، بی‌پولی باعث تحقیر شدن آنها شده است. این کلاس برای کسانی است که مجبورند نخورند، نپوشند، نداشته باشند، وقتی که رستوران می‌روند به بهانه رژیم بودن سالاد سفارش دهند اما خودشان می‌دانند که پول ندارند. این کلاس برای کسانی است که به آخر خط رسیده‌اند.

وقتی به این مرحله رسیدید به هیچ عنوان ناراحت و سرخورده نشوید، چون که این وضعیت یکی از مراحل و مهم‌ترین مرحله از بازی ثروتمند شدن است. یکی از بهترین و لذت‌بخش تفریحات من مطالعه زندگینامه افراد ثروتمند است. فقط تعداد بسیار کمی از آنها هستند که در ابتدا وضعیت مالی خوب یا حتی در حد متوسط داشتند، بلکه اکثر آنها در شرایط سخت و یا حتی فقر کامل به سر می‌بردند.

## اعترافات یک معلم ثروت

چند روز پیش در خدمت یکی از بزرگ‌ترین اساتید موفقیت کشور بودم. طبق عادت قدیمی از ایشان یک رمز موفقیت یا به قول معروف شاه‌کلید خواستم. استاد بعد از اینکه متوجه شدند حوزه کاری من تدریس ثروت است یک سؤال چالش‌برانگیز از من پرسیدند، ایشان اول پرسیدند از نظر شما پول چیست؟ من هم طبق تعریف همیشگی خودم گفتم: پول خارق‌العاده‌ترین و زیباترین عنصر موجود در جهان است، پول یعنی آرامش، آسایش و رفاه، پول یعنی آزادی. ایشان مجدد پرسیدند: با پول چه چیزهایی را نمی‌توانی بخری؟!

سؤالشان من را در فکر فروبرد، همین که خواستم جواب سؤال ایشان را بدهم از من خواستند که جواب این سؤال را فقط به خودم بدهم. چندین روز وقت صرف کردم و یک لیست کامل از چیزهایی فراهم کردم که نمی‌توان با پول آن‌ها را خرید، مثل عزت و احترام به معنای واقعی کلمه تا حالا این جمله را از یک ثروتمند شنیده‌اید که حاضرم تمام ثروتم را بدهم اما فرزندم سلامتی خودش را به دست آورد؟! ایمان، اعتقادات و معنویات چطور، می‌توان بر روی این‌ها قیمت گذاشت؟! و از همه مهم‌تر، عشق، به نظر شما عشق خریدنی است؟! یک لحظه فردی را تجسم کنید که ده میلیارد تومان در حساب بانکی خودش پول دارد، اما همین فرد هیچ عزت و احترام یا اعتباری ندارد یا مثلاً دچار یک بیماری بسیار نادر است، این ثروت برای این فرد چه لذت و هیجانی دارد، آیا این فرد خوش‌بخت هست؟! پول و ثروت بخشی از مسیر زندگی ما هستند که در

کنار بقیه چیزها به دست می‌آیند، نرسد روزی که حساب بانکی‌مان پر از اعداد و ارقام نجومی باشد اما دل و زندگی‌مان پر از خالی...

### تفاوت میان ثروتمند و پولدار

تعریف شما از ثروت چیست؟! داشتن آرامش، دارایی‌ها، شکرگزاری بابت نعمت‌ها، ساختن زندگی خودمان، در دسترس بودن منابع و امکاناتی که برای زندگی به آن‌ها نیاز داریم و...

ثروت مجموعه دارایی‌های شماست، چه مادی و چه معنوی. سلامتی، خانواده، دوستان و آشنایان، ارتباط با خدا و پول همه و همه یک ثروت هستند. پول هم بخشی از ثروت است اما نه تمام آن. تفاوت میان افراد ثروتمند و پولدار هم دقیقاً در همین جاست؛ یعنی پولدار فقط پول دارد و پول را، اما ثروتمند همه چیز دارد و پول را. یک وجه تمایز بسیار مهم هم بین ثروتمند و پولدار این است که ریال به ریال ثروت افراد ثروتمند مشخص است، یعنی کاملاً معلوم است از کجا و از چه راهی به ثروت رسیده است. سفری که ما قرار است باهم شروع کنیم برای ثروتمند شدن واقعی شماست.

و اما پول...

تعریف‌های مختلفی از پول شده است، از تعاریف کتابی گرفته تا تعریف بعضی‌ها که پول را چرک کف دست فرض می‌کنند؛ اما به نظر من هیچ تعریفی دل‌نشین‌تر از این تعریف نیست، زیگ‌زیگر<sup>۱</sup> می‌گوید: «پول همه

<sup>۱</sup>. یک سخنران الهام‌بخش در زمینه فروش و موفقیت

چیز نیست، اما از نظر اهمیت هم رده اکسیژن است». آخرین باری که توانستید بدون اکسیژن زنده بمانید را به خاطر دارید؟! پول مهم‌ترین موضوع زندگی نیست، اما مهم‌ترین موضوعات زندگی وابسته به پول است.

**پول مهم‌ترین موضوع زندگی نیست، اما مهم‌ترین موضوعات زندگی وابسته به پول است.**

## گنج فقرا

مژده مژده. یک جمله معروف می‌گوید آنان که گذشته‌ی تلخ دارند بزرگ‌ترین سازندگان آینده هستند. اگر شما فقیر هستید گنجی در وجود خود دارید که هیچ ثروتمند و حتی افراد عادی آن را ندارند. اگر شما مجبور هستید در گرسنگی غذا نخورید، در بیماری به خاطر هزینه ویزیت به سلامتی فکر نکنید، اگر در هنگام نیاز به لباس مجبور هستید لباس تازه‌ای نخرید و اگر هیچ‌چیزی در زندگی مانند بی‌پولی عزت نفس و اعتماد به نفس را از شما نگرفته است، شما در وجودتان دارای این گنج هستید. این گنج یک قدرت نامحدود و یا یک نیروی نامرئی است.

**انگیزه**، بله نام گنج درون شما انگیزه است. انگیزه‌ای که اگر در مسیر صحیح قرار بگیرید به شما توانایی هر کاری را می‌دهد. پس اگر در حال حاضر فقیر و غرق در بدهی هستید این را بدانید که یک اهرم قدرتمند شما را به سوی جلو و ثروت هل می‌دهد. شما آماده‌اید تا زندگی‌تان و دنیای خودتان را تغییر دهید. بین صفر و منفی یک بودن هیچ فرقی نیست تا کی قرار است صفر باشید؟! برای تغییر به دو چیز نیاز است:

## ۱. درد

## ۲. درک

تنبل بودن، فقیر بودن، آخر بودن این‌ها عین درد هستند، این‌ها روح و وجود شما را زخم کرده است، این‌ها بال‌های شما را برای یک پرواز باشکوه بسته‌اند. پس عجله کنید، به درونتان سری بزنید تا متوجه وجود این گنج شوید، فقط کافی است به این قدرت نامحدود تکیه کنید تا شاهد تغییر زندگی‌تان باشید.

چند مرحله‌ی ساده برای بیدار کردن این غول قدرتمند درونتان به شما پیشنهاد می‌دهم.

۱. تکه‌ای کاغذ بردارید و تمام چیزهایی که حالتان را به هم می‌زند و تنها دلیل آن‌ها بی‌پولی است را یادداشت کنید.

۲. آخرین باری که به خاطر بی‌پولی شخصیت یا غرور شما جریحه‌دار شد را خوب به یادآورید و یادداشت کنید.

تذکر: می‌خواهم تمام آن حال بد را در تمام وجودتان کاملاً واضح احساس کنید.

۳. این سؤال را از خودتان بپرسید، آیا واقعاً سهم من از زندگی همین است؟

۴. اگر جوابتان مثبت است و فکر می‌کنید بیشتر از این لیاقت ندارید همین الآن این کتاب را دور بیندازید، اما اگر جوابتان منفی است و می‌دانید سهم شما در این زندگی بسیار بیشتر از این است که الآن دارید به مرحله ۵ بروید.



۵. خودتان را در بهترین شرایط، یعنی حل شدن تمام مسائل و دغدغه‌های مالی‌تان تصور کنید. کاملاً واضح ببینید که دیگر هیچ مشکل مالی برای شما وجود ندارد و شما در حال لذت بردن از زندگی خودتان هستید.

۶. احساس مرحله ۵ را با مرحله ۱ و ۲ مقایسه کنید و هر وقت که دیدید از لحاظ انگیزشی ضعیف شده‌اید سراغ این دو احساس بیایید و بدانید وظیفه شما تغییر وضعیت ۱ و ۲ به وضعیت ۵ است.

قبل از انجام این تمرین بخش بعدی را شروع نکنید؛ از طریق پاسخ با سؤالات بالا گنج درونتان را شناسایی کنید.

### لندکروز مشکی

من قبل از ثروتمند شدن مورد تمسخر بسیاری از افراد و اطرافیانم قرار گرفتم. آن‌هایی که مؤدب بودند این جمله را می‌گفتند: آرزو بر جوانان عیب نیست و آن‌هایی که شُتر بودند می‌گفتند: شُتر در خواب بیند پنبه‌دانه... چند سال پیش به همراه پدرم و یکی از اقوام در پیکان پدرم بودیم که ناگهان چشم من به یک دستگاه خودروی تویوتا لندکروز مشکی جدیدترین مدل بازار افتاد. برای اولین بار بود که آن خودروی زیبا را از نزدیک می‌دیدم. طبق معمول با تمام وجودم ابراز احساسات کردم و با صدای بلند در پیکان فریاد کشیدم که یک روز آن را می‌خرم. هنوز جمله‌ای که فامیلیمان به من گفت را فراموش نکرده‌ام...

- امیر اینارو که می‌بینی یه همچین ماشینایی سوار میشن یه پشت محکم دارن، تو نه خودت داری نه بابات داره نه باباش داشته پس الکی خودتو گول نزن.

اما من باز هم تاکید کردم که روزی می‌توانم این ماشین را بخرم و با این حرفم باعث لبخند تمسخرآمیز او شدم. نمی‌دانم در دلش در مورد من چه حرفی زد اما رنگ رخساره خبر می‌دهد از سیره درون. هدف من از بیان این داستان دو نکته بسیار حیاتی و مهم بود:

**نکته اول:** من در پیکان و فقر بودم اما ذهنیت فقیر بودن نداشتم و پر از بلندپروازی بودم.

**نکته دوم:** سکوت کنید.

وقتی اطرافیان قرار نیست در رسیدن شما به اهدافتان کمکی کنند چرا باید از اهداف شما باخبر شوند؟! یادتان باشد اگر مثل من پررو و با پشتکار نباشید با دومین یا سومین لبخند یا حرف تلخ اطرافیان قید تمام اهداف و بلندپروازی‌هایتان را خواهید زد.

### **منتظر پیامک بانک**

یادم می‌آید چند وقت بعد از اینکه از نمایندگی هیوندای استعفا داده بودم و هنوز هیچ شغل و منبع درآمدی نداشتم و معمولاً در این شرایط هست که تمام قبض‌ها و بدهکاری‌های قبلی هم به روی کار می‌آیند و همیشه یک سری اتفاقات هم می‌افتد که مجبور می‌شوید تمام پس‌اندازتان را از دست بدهید، مثلاً یخچال می‌سوزد، آپاندیس محترم احساس اضافه بودن دارد، صمیمی‌ترین دوستتان فقط تا دو روز دیگر قصد ازدواج

دارد و ... خلاصه هیچ آهی در بساط و هیچ پولی در بانک و کیف پولم نداشتم. از طریق یک دوست متوجه شدم که می‌توانم از شرایط بیمه بیکاری استفاده کنم. روزنه‌ی امید و همان آب باریکه در این شرایط خشک‌سالی عالی بود. لحظه‌ای درنگ نکردم و از چگونگی شرایط استفاده از بیمه بیکاری مطلع شدم اما یک مشکل وجود داشت، یک مشکل بزرگ...

من فقط پول کرایه تاکسی تا سازمان تأمین اجتماعی را داشتم و حتی پول تکثیر مدارک مورد نیاز را نداشتم. با پدرم (با هزاران خجالت و شرمندگی و احساس خرد شدن غرورم) تماس گرفتم و از او خواستم مقداری پول به عنوان قرض برایم واریز کند. من نزدیک دو ساعت مقابل درب سازمان تأمین اجتماعی منتظر ارسال پیامک از طرف بانک بودم تا متوجه واریز وجه شوم تا بتوانم مدارک مورد نیاز را تهیه کرده و از بیمه بیکاری استفاده کنم.

### سایت‌های کاریابی

از این عبارت متنفرم. چون این عبارت بارها و بارها احساس حقارت را به من تزریق کرد. بعد از استعفای نمایندگی هیوندای شرایط روزبه‌روز بدتر و سخت‌تر می‌شد. همه چیز انگار دست به دست هم داده بود تا من را له کنند. تمام اطرافیان هم به عنوان ابراز هم‌دردی جمله را می‌گفتند: سری به سایت‌های کاریابی اینترنتی بزن شاید موفق شدی که کاری پیدا کنی. در همین گیرودار مشغول مطالعه یکی از کتاب‌های رابرت کیوساکی بودم. در آن کتاب یک خاطره مربوط به سال ۱۹۸۵ مطرح شده

بود که رابرت و همسرش از بی‌پولی مجبور بودند در تویوتای سیلیکا قدیمی بخوابند و با زور چیزی برای خوردن پیدا می‌کردند. اطرافیان آن‌ها هم کاسه داغ‌تر از آش بودند و از آن‌ها می‌خواستند که فعلاً مشغول به کاری شوند تا یک مقدار از این وضعیت اسفبار بیرون بیایند تا بعداً سر فرصت به ایده‌های اقتصادی خود برسند؛ اما جواب رابرت کیوساکی به آن‌ها نور مجددی در قلب و وجود من تزریق کرد. رابرت به آن‌ها گفت: اگر مشغول به کار دیگری شوم مطمئنم که باز به عقب برگشته‌ام و اگر دل‌خوش به حقوق سر ماه شوم دیگر نمی‌توانم کسب‌وکار خودم را داشته باشم.

#### بفشی از گفته‌های کیم کیوساکی:

من تضمین می‌کنم که در روند فودتان اشتباهاتی، گاه بسیار بزرگ، مرتکب فواید شد، باید کاملاً آماده مقابله باشید. لمظات هولناکی را فواید داشت. اوقاتی پیش فواید آمد که مجبور می‌شوید تصمیم‌هایی با نتایج مبهم بگیرید. در چنین اوقاتی است که شفافیت ما مورد آزمایش قرار می‌گیرد. اگر از چالش‌ها دوری کنیم، رشد نخواهیم کرد و هیچ‌چیز یاد نخواهیم گرفت. اگر با چالشی مقابله کنیم، چه موفق شویم و چه شکست بفریم، موهبتی است که باعث رشد ما می‌شود و همان کسی می‌شویم که باید بشویم و این کسب سرمایه اساسی و فکری قیمت ندارد.

## رابطه بی‌پولی و کار نکردن

سخت‌ترین لحظات زندگی مواقعی است که کیف پولتان خالی خالی خالی است. خیلی جالب است در این لحظات انگار تمام دنیا و فعالیت‌های موجود در این زندگی وابسته کیف پول شما می‌شوند. بقول معروف دل و دماغ انجام هیچ کاری را ندارید حتی کارهای لذت‌بخشی که انجام آن‌ها نیاز به هیچ پولی ندارد. برای رهایی از این حس باید چه کرد؟! این را بدانید تا زمانی که از این احساس فلج‌کننده بیرون نیایید هیچ اتفاق خوبی امکان ندارد برای شما بیفتد. پس همین حالا اقدامات زیر را انجام دهید و بعد از چند دقیقه دیگر سراغ ادامه مطالعه بیاورید.

### اقدام شماره ۱: تهیه لیست مبارزه شخصی

در یک تکه کاغذ تمام موارد تلخ زندگی‌تان که دلیل اصلی‌اش بی‌پولی بوده را یادداشت کنید. بر فرض مثال اگر یخچال منزلتان خالی است یا مجبورید مسیرهای بسیار طولانی را به خاطر نداشتن کرایه پیاده‌روی کنید یا مثلاً اگر کلی قبض آب، گاز و برق و حتی اجاره خانه‌تان به تعویق افتاده را یادداشت کنید.

شرط این اقدام این است که همه چیز را با جزییات کامل ذکر کنید. بعد از اینکه تمام موارد تلخ را یادداشت کردید نوبت یادداشت مبارزه شماست. برای هر احساس بد یک هدف دل‌چسب و انگیزاننده تعریف کنید. هدفی که وقتی به آن فکر می‌کنید باعث تپش قلب و داغ شدن بدنتان شود. هدف بزرگ، بزرگ و بزرگ، هر چه بزرگ‌تر بهتر. مثلاً در مقابل پیاده‌روی‌های طولانی نام لوکس‌ترین خودرویی را که می‌شناسید

بنویسید یا در مقابل یخچال خالی نام یک یخچال سایید بای سایید که درونش پر از خوراکی‌های خوشمزه است را یادداشت کنید. بسیار خوب تا اینجای کار عالی پیش‌رفته‌اید.

### اقدام شماره ۲: مشخص کردن گام‌های اجرایی

این گام کمی سخت اما ضروری است. برای هر کدام از مواردی که در لیست مبارزه شخصی خود یادداشت کردید چه کاری باید انجام دهید؟! سریع جواب من را ندهید که راهی به ذهنتان نمی‌رسد.

#### یک خبر خوب...

خبر خوب برای شما این است که الآن شما در انتهای خط هستید، هر وقت به انتهای خط برسید یعنی یک مسیر جدید را باید شروع کنید. این مسیر جدید می‌تواند همان مسیر قبلی یعنی فقر و نداری باشد یا یک مسیر کاملاً متفاوت و پر از ثروت، پول و رفاه باشد. خبر خوب بعدی من برای شما این است، یکی از مواقعی که ذهن بسیار عالی شروع به فعالیت می‌کند لحظات اضطراری است. مواقعی که ضمیر خودآگاه شما تسلیم می‌شود نوبت درخشش ضمیر ناخودآگاهتان است. پس آرام باشید و با تمرکز به ندای ضمیر ناخودآگاهتان گوش کنید و هر چیزی که به ذهنتان رسید روی کاغذ یادداشت کنید.

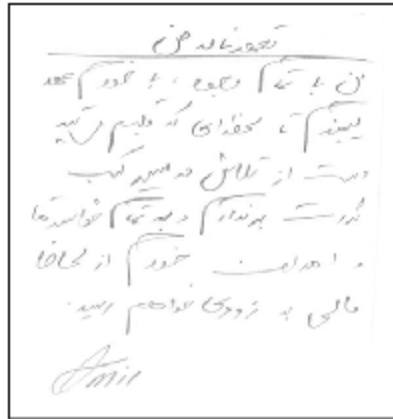
## اقدام شماره ۳: آیا این کار در راستای مبارزه شخصی

### شماست!؟

تعدادی کاغذ (هرچه بیشتر بهتر) در اندازه‌های مختلف تهیه کنید و این جمله را روی تک‌تک آن‌ها یادداشت کنید: آیا این کار در راستای مبارزه شخصی منه؟! تمام جاهایی که می‌توانید این کاغذ را بچسبانید، مثلاً پشت میز کار، آینه سرویس بهداشتی، کابینت‌های آشپزخانه، دسته مبل یا صندلی، یخچال و... می‌خواهم مدام هر جا که هستید این نوشته جلوی چشمانتان باشد. کجاها روی زمین دراز می‌کشید و بدون هیچ انگیزه‌ای به سقف نگاه می‌کنید؟ دقیقاً خودش است، روی سقف هم بچسبانید. از این به بعد می‌دانید اگر لحظه‌ای زمانتان را پرت کنید دست از مبارزه شخصی خودتان کشیده‌اید و این زندگی و مسایلش بود که بر شما غلبه کرد.

### اقدام شماره ۴: تعهدنامه

در قرآن آمده «بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم» و اکثر افراد هم این جمله را شنیده‌اند هر آن چیز را از کائنات و زندگی بخواهید به شما اعطا می‌شود. حال سؤال این است چقدر بر روی خواسته خود مصمم هستید؟! یک هفته، دو هفته، یک ماه یا تا پیدا کردن یک شغل معمولی با یک حقوق ثابت شاید هم تا آخرین تپش قلب و آخرین لحظات زندگی؟! تا وقتی که با خودتان یک عهد و پیمان بدون نقض نبندید هیچ اتفاقی نمی‌افتد. عکس زیر تعهدنامه من در روزهای سخت و بی‌پولی‌ام بود.



متن تعهدنامه: من با تمام وجود، با خودم عهد می‌بندم تا لحظه‌ای که قلمم می‌تپه دست از تلاش در مسیر کسب ثروت برندارم و به تمام خواسته‌ها و اهداف مالی خودم به زودی خواهم رسید. شما هم برای خودتان یک تعهدنامه تنظیم کنید. نکته بسیار مهم این است که با هر بار مطالعه این تعهدنامه باید در وجودتان یک اشتیاق سوزان شکل بگیرید و باعث حرکت رو به جلوی شما شود.

### اقدام شماره ۵: اقدام، اقدام، اقدام

سفر این بخش از بی‌حالی و حس پوچی شروع و به اقدام ختم شد. حالا شما یک لیست مبارزه شخصی، یک سری هدف، یک لیست از کارهایی که باید انجام دهید، چندین برگه با این نوشته: آیا این کار در راستای مبارزه شخصی من، یک تعهدنامه.

اگر تمام این موارد باعث این نشوند که ضربان قلبتان بالا رود و شما را مجبور نکند کاری را انجام دهید حتماً در یک مرحله اشتباهی رخ داده است، مجدد از مرحله ۱ شروع کنید و تمام موارد را بررسی کنید.



فراموش نکنید تمام مراحل را وقتی انجام می‌دهید باید یک آتش انگیزاننده در وجود شما برافروخته شود تا شما را مجبور کند که کاری در جهت مبارزه شخصی خودتان انجام دهید. این اقدامات را تا جایی باید انجام دهید تا آن مسئله را به زانو و گریه درآورید. در تمام این لحظات به این جمله خوب فکر کنید، هر آنچه مرا نکشد، قوی‌ترم می‌کند.

### دستورالعمل بخش اول

۱. پنج دلیل مهم که مانع ثروتمند شدن شما شده‌اند را یادداشت کنید.
۲. اگر خودتان را مسئول کنید چگونه دلایل قابل حل می‌شوند؟
۳. گنج درونتان را بیابید.
۴. لیست مبارزه شخصی خودتان را تهیه کنید.
۵. گام‌های اجرایی خودتان را یادداشت کنید.
۶. برگه‌های یادآوری مبارزه شخصی‌تان را حداقل به ۱۰ نقطه قابل دید بچسبانید.
۷. متن تعهدنامه خودتان را یادداشت کنید.
۸. همین حالا شروع کنید.

## «یادداشت»

## بخش ۲

### پيله شدن



#### تناقض به معنای واقعی کلمه

بیاييد اين بخش را با يك دروغ شروع كنيم. شما مي‌توانيد ره صد ساله را در يك شب طي كنيد؛ يعني شما مي‌توانيد شب به رختخواب خود برويد و صبح روز بعد با يك حساب بانكي كه دوازده صفر دارد از خواب بيدار شويد. اين قضيه براي‌تان آشنا است مگر نه؟! اين متن تبليغات حال حاضر ماست كه بياييد يك سكه را درون خاك بكاريد و

بدون هیچ زحمت و تلاشی چند ماه بعد از میوه‌های طلایی آن سکه لذت ببرید. از ثروتمند شدن در آینده‌ی دور و بازنشستگی گرفته تا ثروتمند شدن در یک لحظه این‌ها تماماً یک سری تبلیغات و شعارهای بازاریابی هستند.

و اما راهکار در این کارزار چیست؟ بگذارید داستان را از یک دانه بامبو شروع کنیم. کاشت و رشد درخت بامبو با تمامی درخت‌های دیگر فرق دارد. وقتی شما دانه بامبو را می‌کارید به مدت پنج سال به آن آب می‌دهید و زمین را بارور نگه می‌دارید. در این پنج سال هیچ اتفاقی نمی‌افتد و شما اثری از درخت که هیچ، اثری از جوانه درخت بامبو هم نخواهید دید؛ اما بعد از پنج سال فقط در عرض کمتر از شش هفته درخت‌های بامبو سی متر رشد می‌کنند.

سؤال اینجاست، این درختان نتیجه شش هفته هستند یا پنج سال؟ من می‌گویم پنج سال، اگر در هر زمان از این پنج سال شما آبیاری و نگهداری از آن دانه زیر خاک را رها کنید در نهایت به درختان سی متری نخواهید رسید و دانه‌ها زیر خاک می‌میرند.

صبر، گام اول در این مسیر است. لطفاً همین حالا به عنوان کتاب توجه کنید، دقیقاً تناقض در همین جاست. من به شما وعده ثروت یک شبه یا بادآورده را نداده‌ام. پول و ثروتمند شدن نیاز به سپری شدن زمان را دارد که البته باید به این فرآیند سرعت بخشید. پس اولین قدم و اولین باوری که می‌خواهم شما در خود شکل دهید این است:

**قید یک شبه ثروتمند شدن را بزنید.**

## عادت به نتیجه نگرفتن

در اکثر سمینارها و کارگاه‌هایم با این سؤال مواجه می‌شوم که در زمینه ثروت از کدام محصول آموزشی باید استفاده کرد؟ وقتی به عنوان نمونه چند نمونه‌ی معروف و کاربردی را ذکر می‌کنم خیلی از فراگیران می‌گویند که از تمام این‌ها استفاده کرده‌اند اما هنوز از لحاظ مالی به آن رشد یا مرحله دلخواه نرسیده‌اند. من همیشه در پاسخ به این دوستان و شما که در حال مطالعه این کتاب هستید یک جواب مشخص می‌دهم.

دوست عزیز مسئله این کتاب یا فلان سمینار یا فلان بسته آموزشی نیست. مسئله دو مورد حیاتی دیگر است:

۱. به این چیزهایی که می‌آموزید عمل نمی‌کنید.

۲. به این آموخته‌ها ایمان ندارید.

به یاد اعتقاد یکی از دوستانم در این حوزه افتادم، ایشان می‌گوید یک درصد یاد بگیر و نود و نه درصد اقدام کن. پس یادتان باشد این قوانین و روش‌هایی که من در اینجا عنوان خواهم کرد بارها و بارها مورد آزمایش قرار گرفته‌اند و برای میلیون نفر از جمله خود من جواب داده است. اگر کسی به نتیجه دلخواه خود نرسد مشکل مطالب نیست بلکه به نوع اقدام و نگرش شما بستگی دارد.

**مهم‌ترین دلیل نتیجه نگرفتن بعد از آموزش عدم عمل کردن به مطالب است.**

## قفل کردن ضمیر ناخودآگاهم

یکی از مهم‌ترین دلایلی که افراد در کلاس‌ها یا دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند اما نتیجه مورد نظر را نمی‌گیرند منفی نگری و عدم باورشان در مورد آن آموزش است. در جلسه روانشناسی ثروت با چند تکنیک بسیار علمی و دقیق آموزش می‌دهم که چگونه ضمیر ناخودآگاه خود را برنامه‌ریزی کنید تا از شر باورهای مزاحم و غلط خلاص شوید. در زیر بخشی از مکالمه من با یکی از فراگیران دوره غیرحضوری ثروت را که فقط فایل صوتی جلسه اول از یک دوره هشت جلسه‌ای را گوش کرده بودند مطالعه کنید.

بعد از سلام و احوال‌پرسی...

-آقای قنبری به نظر من تکنیک نوشتن هدف‌های مالی و ساختن فایل صوتی باعث میشه ضمیر ناخودآگاهم قفل کنه.

- دوست عزیز منظورتون از قفل میکنه، دقیقاً یعنی چی میشه؟

- قفل میکنه دیگه، یعنی دیگه کار نمیکنه.

- اما این تکنیک‌ها بسیار دقیق و علمی هستند و هیچ مشکلی برای ضمیر ناخودآگاه شما پیش نیاد، لطفاً اول تمرین رو انجام بدید اگه نتیجه نگرفتید میتونیم در موردش باهم گفت‌وگو کنیم.

- اصلاً بذار آقای قنبری اصل مطلب رو بگم، ازین تکنیک‌ها بگذریم چون برای من اینا جواب نمیده، رک و پوست کنده به من بگید چیکار کنم پولدار شم؟!

- دوست عزیز تموم پکیج ثروت رو دیدید و تمرین‌هاش رو انجام دادید؟